



طناب‌کشی بر سر بودجه

بررسی عملکرد دولت و مجلس در رابطه با بودجه سازمان صداوسیما

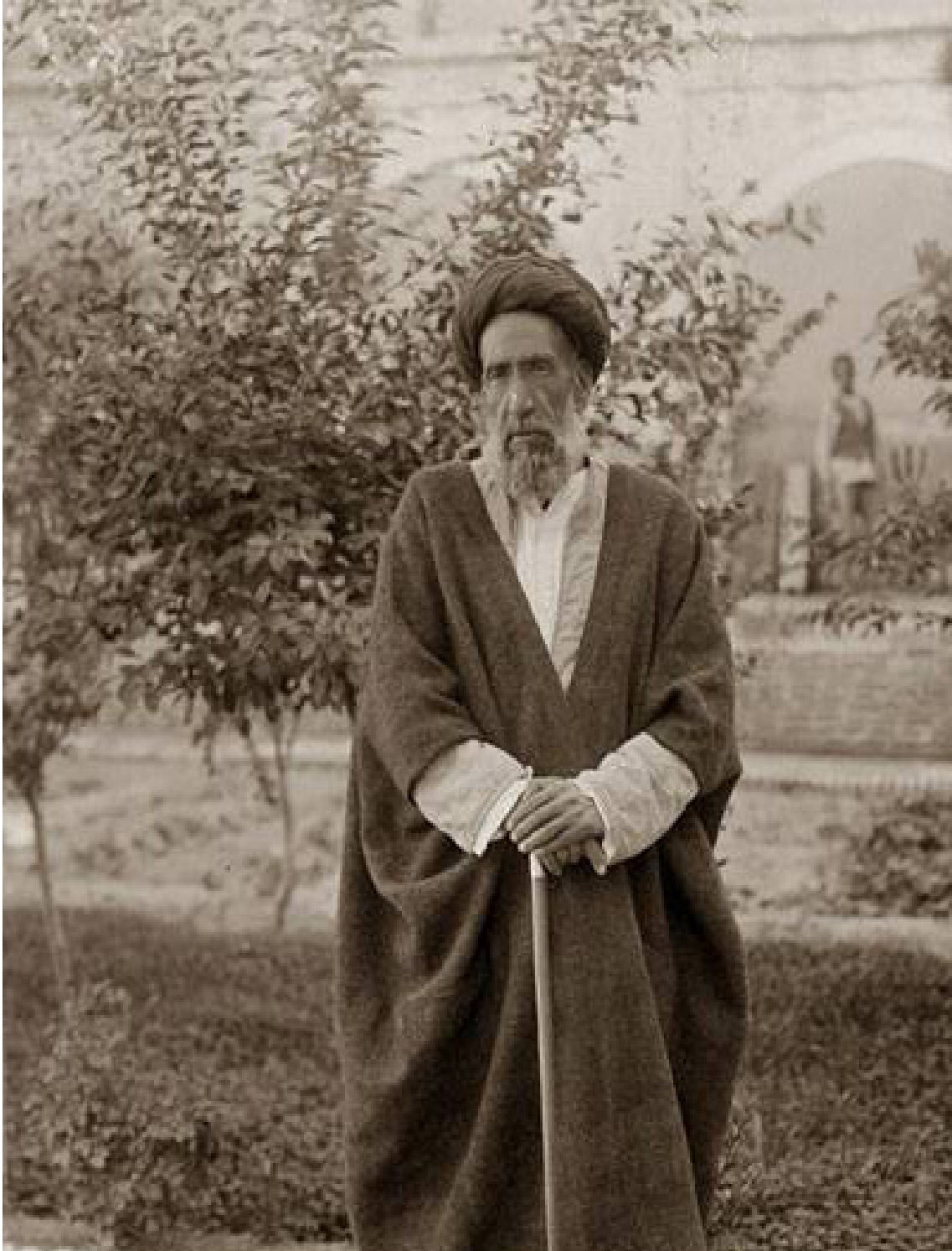
«صیقل»

سخن سردبیر

این روزها که تمام نگاه‌ها معطوف به مسائل پیرامون چای دیش و فساد حاصل از آن است بد نیست توجهی به این نکته داشته باشیم که از حدود سال ۹۸ تاکنون ارزش ترجیحی در خصوص چای به هیچ وارد کننده‌ای به جهت وارد کردن چای تعلق نگرفته است. این در حالیست که ما شاهد فساد گسترده در خصوص چای در مدت اخیر بوده‌ایم. سوال مهم اینجاست رویکرد دولت و قوه قضاییه پیرامون فساد رخ داده چگونه خواهد بود؟ اگر این مبلغ هنگفت توسط دولت و یا نهاد قانونگذار دیگری در اختیار این شرکت قرار نگرفته پس چه کسی یا کسانی اجازه دسترسی به این مبلغ را داده‌اند؟ یک شرکت چگونه می‌تواند بدون پشتوانه محکم رانتهی ۷۹ درصد از کل ارزش ترجیحی را بگیرد؟ یک نفر هم نیاید بگوید اقا داری چه کار می‌کنی؟ رویکرد نهادهای اجرایی برای پیشگیری از این اتفاق و رخ ندادن مجدد آن به چه نحو خواهد بود؟ شفافیت کلید گمشده این معماست؛ کلیدی که مجلس ۴ سال آن را به کناری آویخت و بی شباهت به کلید رییس دولت قبل نبود! در یک اتاق تاریک هیچ گاه نمی‌توان پول شمرد! همچنان که لایحه بودجه نیز با تمام کش و قوس‌ها در این ماه تصویب شد. و یکی از دلایل رد آن توسط مجلس ناترازی مالی شدید بود. تا زمانی که جلوی فساد گرفته نشود مشخصا ناترازی هم قرار نیست اصلاح شود! از نکات مهم دیگر در خصوص این مسئله پیامدهای آن است. یکی از پیامدهای مخرب آن از بین رفتن اعتماد ملی نسبت به دولت تمامی دستگاه‌های قانونگذار و نظارت کننده است آنچه در ذهن مردم متبادر می‌شود آن است که تمامی وعده‌ها و قول‌ها در خصوص مبارزه با فساد و رانت وعده‌های انتخاباتی و یا کذب بوده و جامعه عمل نمی‌پوشد بهتر آن است که دستگاه‌های بالادستی ضمن پیگیری و ارائه گزارش پیگیری‌ها و اعلام عمومی آن به مردم از طریق رسانه ملی و مطبوعات و خبرگزاری‌ها افکار اشتباه و سیاه را از ذهن مردم زدوده و نسبت به روشنگری این مسئله اهتمام لازم را داشته باشد.

نرگس خطیب دماوندی

این شماره از بی‌تعارف بانهایت تاثیر تقدیم می‌شود به: تمام خبرنگاران شهید فلسطینی آنها که به بهای جان وجدان جهان را بیدار کردند و حتی ترس از مرگ نیز نتوانست آنها از انجام وظیفه بزرگشان باز دارد.



قاب هفدهم: ۱۰ آذر سالگرد شهادت سید حسن مدرس، مرد شجاع آزادی خواه اندیش



در واقع متهم؛ در اذهان بی گناه

دستگیری خواننده معروف

فاطمه حشمت - کارشناسی میکروبیولوژی



اجازه فعالیت و داشتن حساب کاربری شخصی به او نمی‌دهد. افکار و نظرات او حتی در خصوص موضوعات سیاسی نیز دارای اعتدال نیست. در پیرامون اغتشاشات سال گذشته او در پی اعتراضات، ترانه ((چطوری انقلاب صلح)) و ترانه ((چطوری همیشه)) را در حمایت از اغتشاشگران منتشر کرد اما مدتی بعد تصمیم به عذرخواهی و تغییر دادن جبهه خودش کرد. او در صفحه توئیتر خود از جمهوری اسلامی، رهبر معظم انقلاب و از گروهی از طرفدارانش به دلیل حمایت از آشوبگران عذر خواهی کرد. علاوه بر آن در طی سال‌هایی که او به‌عنوان یک هنرمند شناخته شده، تغییرات زیادی در گرایشات سیاسی او دیده می‌شود. طوری که در سال ۱۳۸۸ با انتشار آهنگی از سید حسین موسوی حمایت می‌کند. اما در ادامه در سال ۱۳۹۶ حمایت خود را از سید ابراهیم رئیسی اعلام می‌کند و بسیاری از افراد مشهور جامعه تحت تاثیر این حرکت او قرار گرفتند و در توصیف او از چه عبارات و مفاهیم با ارزشی استفاده کردند.

در خصوص هر موضوعی اظهار نظر و حتی در مراتب بالاتر اظهار فضل کنند، تلو نیز با رسم این جامعه بیگانه نبوده، بلکه خود از پیشگامان این عرصه و همان‌طور که دیده شده عمده شهرت آن به دلیل رفتارها و گرایشات آن در ادوار مختلف است. او تا به امروز شخصیتی که از خود نشان داده به دنبال جنجال و هیاهو و هر چه بیشتر مطرح شدن است. به گونه‌ای که نظرات او طیف وسیعی از فرهنگ و عقاید افراد جامعه را در بر می‌گیرد. روزی نظرات و عقایدش را درباره حجاب و روز دیگر افکار خود را در مورد قربانی کردن حیوانات و مراسم مذهبی محرم ترویج می‌دهد. روزی مردان را دعوت به ضرب و شتم زنان می‌کند که نتیجه آن بسته شدن حساب کاربری اش در اینستاگرام برای اولین بار شد و نهایتاً این شخص دختران ۱۵ تا ۲۰ ساله را دعوت به حرم سرایش که با عنوان حرم سرای سلطان یاد کرده است، می‌کند. برای امیرحسین مقصدلو حد و مرز تقریباً معنایی ندارد؛ طوری که حتی اینستاگرام دیگر

امیرتلو نام جدیدی برای اذهان نیست که بخواهیم در رابطه با آن توضیح دهیم ولی نکته اینجاست که چرا چنین نامی باید اینقدر در اذهان شکل بگیرد و اقشار مختلف از این شخصیت کم و بیش مطلع باشند. باید دانست که چگونه نام‌ها و الگوهای در حافظه مردم و علی‌الخصوص برای افکار قشر جوان جامعه می‌تواند پررنگ و معتبر شناخته شود؟ امیرحسین مقصدلو معروف به امیرتلو که زاده ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ است، در ابتدا خواننده ای بود که کارها و آلبوم‌هایش مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نمی‌گرفت و اولین آلبومش به نام زیر همکف را به صورت زیر زمینی منتشر کرد. بعدها در استانبول و گرجستان کنسرت برگزار کرد. کارنامه او از همان ابتدا با مسائل هنجارشکنانه همراه بود. طوری که از همان ابتدا در ترکیه به اتهام اشاعه فساد و فحشا و تشویش اذهان عمومی بازداشت شد. همانطور بسیاری از سلبریتی‌ها و به اصطلاح هنرمندان جامعه ایران که به خود اجازه داده تا

این درحالی است که بسیاری از مسئولان، منتقدان و جامعه‌شناسان این وضعیت را فاجعه‌بار می‌دانند. اکثر هوادارهای مقصود لو نسل جوان دهه هشتادی هستند که بسیاری از این اشخاص طرفداران ثابت‌قدم او هستند و وقتی حساب کاربری‌اش در اینستاگرام بسته می‌شود، در یوتیوب ۱۹ میلیون دیدگاه در زیر پست او می‌گذارند و سبب می‌شوند که او با قدرت بیشتری به فعالیتش ادامه دهد. موضوع اصلی نه تلو و نه تلتیتی‌هاست؛ بلکه مسئله اصلی این حجم از پاسخ اشتباه به هیجانات از سوی نسل جوان است که به درستی پاسخ داده نمی‌شود و با استفاده از همین موضوع امثال مقصودلو محیط را به نفع خود استفاده می‌کنند. این قضایا نشان از یک ابتذال و فروریختگی فرهنگی دارد که متوجه قشر مسئولین و برنامه‌ریزان فرهنگی کشور است. جامعه‌ای که امروز ارزش‌ها و هنجارهایش را باخته و دچار انحطاط اخلاقی و آلودگی فکری می‌شود، نتیجه سال‌ها کم‌کاری در حوزه فرهنگ و رسانه است.

برای گرفتن پاسپورت خود اقدام کرده اما موفق به دریافت آن نشده بود. با انتشار تصویر بلیطش ادعا کرد که ۱ بامداد در ایران خواهد بود؛ اما پلیس ترکیه اجازه ورود آن به هواپیما را نداد که سبب شد او تصمیم به دیپورت بگیرد ولی همچنان اجازه خروج از کشور ترکیه برای او صادر نشد. برخی از رسانه‌ها اعتقاد بر این دارند که مقصودلو صرفاً قصد حاشیه‌سازی و جلب‌توجه دارد و برخی دیگر ادعا کردند که او ترکیه را به قصد فرار از اتهامات وارده به او نظیر تجاوز ترک می‌کند. تا اینکه نهایتاً در ۱۵ آذر ماه سال جاری پلیس ترکیه مقصودلو را در مرز بازرگان تحویل ایران داد و ایران بلافاصله او را دستگیر کرد و به تهران انتقال داد. اتهامات وارد بر او نظیر فحاشی، بردگی جنسی، شکنجه و اغفال دختران ایرانی زیر سن قانونی می‌باشد. مقصودلو جزو پرحاشیه‌ترین سلبریتی‌ها در شبکه‌های اجتماعی شناخته می‌شود، به طوری که نظرات او در خصوص مسائل مختلف واکنش‌های زیادی از سوی طرفداران و سایر افراد جامعه در پی داشته است و به شدت خیرساز شده است.

در واقع متهم؛ در اذهان بی‌گناه اولین اتهام وارده به امیرحسین مقصودلو و بازداشت او در خصوص ابتذال‌خوانی وی مربوط به سال ۱۳۸۷ است که در پی ادامه یافتن فعالیت‌های غیرقانونی او و نداشتن مجوز از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بار دیگر در ۱۲ آذر ۱۳۹۲ توسط پلیس امنیت اخلاقی بازداشت شد. در جریانات همین پرونده به دلیل توهین به بازپرس به مدت ۶۲ روز بازداشت و در ۳ آبان ۱۳۹۵ آزاد شد. در سال ۱۳۹۸ در ترکیه به دلیل پرونده‌های قضایی که برای او در ایران تشکیل شده بود در ترکیه بازداشت شد. پلیس ترکیه به اتهام تحریک به مصرف روانگردان و اشاعه فساد مقصودلو را به سبب درخواست ایران از طریق پلیس اینترپل دستگیر کرد. در این میان تلتیتی‌ها که طرفداران پروپاقرص تلو هستند، تمام توانشان را برای گذاشتن تلو که تلو را آزاد کنید و تحویل ایران ندهید. گاهی با هشتگ، گاهی با تجمع، گاهی با امضا کردن طومار تا اینکه پلیس ترکیه تنها بعد از یک هفته بازداشت او را در ۱۴ بهمن ۹۸ آزاد کرد. مقصودلو در ۸ آذر ۱۴۰۱ برای اولین بار ادعا کرد که می‌خواهد به ایران بازگردد. البته چندین بار



دبش، اما لب‌دوز

قرار بود تازه بنوشیم، اما کهنه از آب درآمد

اولین تجربه نویسندگی

ریحانه زین الدینی - کارشناسی عمران

اصلاح صحیح فرایند فسادزا، از گمرک گرفته تا سازمان توسعه و تجارت و... بکنند؟! پس حذف گلوگاه فساد کی صورت می‌گیرد؟ مردم از دولت سیزدهم توقع دارند طبق شعار خود که « مبارزه با فساد و رانت» است برخورد سخت و محکم و قاطع با این پرونده داشته باشند تا بلکه یکی از پرونده‌های فساد از بین چندین پرونده بسته شود. همینطور توجه داشته باشند که حق مدیران و مسئولان پاکدست انقلابی که در جریان ارزش‌های انقلاب و شهدا و با عدالت‌خواهی، به مردم خدمت می‌کنند، با این پرونده‌های بسیار در عوامل فساد ضایع نشود. رشوه موضوعی نیست که در زمانی مطرح باشد و در دیگر زمان‌ها ملموس نباشد. تا زمانی که مادیات و گرایش به آن وجود دارد، تا دنیا دنیاست، رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده و رابط بین این دو وجود دارند و از افرادی هستند که از چپاول مال دیگران خسته نمی‌شوند. حکایت این روزهای برخی از مسئولان ما، همین رشوه‌خواری‌هاست. رشوه گرفتن‌ها از کارت هدیه‌ها آغاز شده و به جایی رسیده که صحبت سرقت میلیاردی مطرح شده است.

ارز گرفته شده به جای خرید چای در بازار آزاد فروخته می‌شود. فساد از دولت قبل شروع شده است و با سه میلیارد و ششصد میلیون دلار در این دولت به پایان می‌رسد. آن‌قدر شکمشان از حرام پر شده که دیگر به فکر معیشت میلیون‌ها ایرانی نیستند. در این روزهایی که مردم به سختی سفره نیاز خود را پر می‌کنند، یک شرکت موروٹی در آسودگی کامل به پولشویی خود ادامه می‌دهد و پس از پنج سال تازه دولت‌مردان با جای خالی ارزش‌ها مواجه شده‌اند و به فکر افتاده‌اند! بدتر از این موضوع، واکنش عادی مردم نسبت به پولشویی است که نشئات گرفته از سوءاستفاده مجرمین برای دور زدن دولت است، اما نباید مدیران یک اصل پیشگیری را در پیش بگیرند؟ دیگر برای سیاست‌گذاران می‌تواند بدتر از این خبر هم باشد؟! مسئله فساد دیگر در جامعه و افکار عمومی عادی شده است و این از سیستماتیک بودن فساد در دستگاه‌های دولتی نشأت می‌گیرد. سوال این‌جاست؛ چرا هنوز باید در دستگاه‌های دولتی راهی برای نفوذ مفسدان باز باشد؟ آیا نباید دولتمردان فکری به حال

فساد، رانت پولشویی، به‌ظاهر سه کلمه است، اما هزاران درد پشت این سه کلمه زندانی شده است. درد بی پولی، درد خجالت پدر در مقابل فرزند، درد اشک‌های مادر، درد هزاران خون ریخته شده برای این کشور که حالا عده‌ای زیر پا گذاشته‌اند و می‌تازند. یک میلیارد و... دلار ارز برای واردات کالا گرفته می‌شود اما کالایی وارد نمی‌شود. ۷۹ درصد ارز کشور فقط به یک گروه خاص اختصاص داده می‌شود، به جای ثبت سفارش چای درجه یک به جای درجه دو بسنده می‌کنند، اما از دولت به قیمت چای درجه یک ارز دریافت می‌کنند. قرار بود چای هندی بنوشیم اما به جای آن از محصولات کنیا استفاده کردیم. حال سوال این‌جاست که چرا باید سازمان غذا و دارو کیفیت چای را با هماهنگی کارمند ارزیاب گمرک، به‌عنوان چای درجه یک تایید کند؟ سوال دیگری که مطرح می‌شود اینکه چرا نباید نظارت درستی روی شفافیت مالی و تعهدات ارزی صورت می‌گرفت که منجر به چنین فساد کلانی نشود؟! پس دستگاه‌های نظارتی در حال چه کاری هستند؟ دوسال از زمان تعهد می‌گذرد اما



طناب‌کشی بر سر بودجه

بررسی عملکرد دولت و مجلس در رابطه با بودجه سازمان صداوسیما

● **حنانه حاجی زاده - کارشناسی مشاوره**

اما جدول درآمدهای صداوسیما به ما نشان می‌دهد که این سازمان توجه اصلی خود را به درآمدهای غیراختصاصی و بودجه دولتی و تبلیغات معطوف داشته و دیگر روش‌های تأمین مالی همچون درآمدهای ناشی از واگذاری حق پخش و توزیع محصولات و درآمدهای ناشی از فعالیت‌های تولیدی و سود مربوطه به آن‌ها کاملاً مسکوت مانده است و این از ضعف‌های خود سازمان است که دیگر قابل نسبت دادن به دولت یا مجلس نیست. در نهایت باید گفت دولت و مجلس وظیفه دارند برای رسانه ملی، که یکی از اصلی‌ترین سنگرهای رسانه‌های جمهوری اسلامی در مقابل حجم عظیم تبلیغات دشمن است، بودجه کافی اختصاص دهند و به تعهدات قانونی خود نسبت به پرداخت بودجه این ارگان عمل کنند، چنان‌که همین حالا هم در ایران سهم بودجه فرهنگ و رسانه رقمی دست کم ۴۰ درصد کمتر از کشورهای همسایه و برخی دیگر از کشورهای آسیایی همچون چین، کره جنوبی، ترکیه و آلمان است، اما متقابلاً صداوسیما هم موظف است برای درآمدزایی، از روش‌های دیگری غیر از تبلیغات تجاری هم استفاده کند و مانند دیگر بخش‌ها همچون سینما، صرفاً به بودجه دولتی تکیه نداشته باشد و به سوی کارآمدسازی شیوه‌های تأمین خود برود و همچنین تلاش کند بدنه سنگین کارمندان خود را سبک کند. در غیر این صورت هر ساله دولت و مجلس باید رقم عظیمی را به بودجه صداوسیما بیفزایند، اما در نهایت باز هم مدیران شبکه‌ها با کمبود شدید بودجه مواجه باشند و شاهد افت بیش از پیش مخاطبان صداوسیما باشیم.

دولت در آن است. البته مطلوب است که رسانه ملی از روش‌های پیش‌بینی شده در قانون برای کسب اعتبار استفاده کرده و باری از دوش دولت بردارد، اما موضوعی که دقت بیشتری را در اجرای سیاست مدیریت کسری بودجه می‌طلبد، ترغیب و شاید مکلف کردن دستگاه‌های فرهنگی به کسب درآمدهای تجاری است که اساساً با فلسفه و ماهیت آن‌ها در تعارض است. افزایش ۸۹ درصدی رقم تبلیغات تجاری صداوسیما در حالی است که هم اکنون نیز حجم بالای آن بسیار مورد انتقاد است. لذا پیشنهاد برخی صاحب‌نظران این است که هر میزان اعتبارات صداوسیما از محل منابع عمومی افزایش می‌یابد، به همان میزان از سقف درآمدهای تبلیغاتی سازمان کاهش یابد. در واقع دولت و مجلس وظیفه دارند بودجه صداوسیما را به میزان مناسب تأمین کنند تا این سازمان ناچار نشود با تن دادن به انواع تبلیغ‌های بازرگانی، به پیامدهایی همچون افزایش حس نارضایتی در خانواده‌های دارای قدرت خرید پایین، لطمه به اعتماد عمومی به مثابه سرمایه اصلی رسانه، رواج مصرف‌گرایی و تجمل‌گرایی، فاصله گرفتن صداوسیما از مأموریت‌ها و رسالت‌های اصلی خود، جابه‌جایی اولویت‌های مدیران رسانه و کالانگاری مخاطب و افت کیفیت محتوایی برنامه‌ها در برابر برنامه‌های زرد و سلبریتی‌محور دچار شود. علاوه‌بر این موضوع، کلی بودن عناوین برنامه‌ها در بودجه سال ۱۴۰۱ نسبت به سال ۱۴۰۰، امکان ردگیری سیاست‌ها را دشوار کرده و احتمال انحراف از سیاست‌ها را افزایش داده است. امری که نشان‌دهنده عدم توجه لازم دولت در تنظیم لایحه بودجه و همچنین شتاب‌زدگی و عدم بررسی دقیق مجلس در تصویب آن است.

مشکل کمبود بودجه، گلایه همیشگی مدیران ارشد سازمان صداوسیما از دولت و مجلس است. مشکلی که از دست دادن مخاطبان به‌واسطه کاهش کیفیت برنامه‌ها، اغلب معلول آن معرفی می‌شود. در ادامه قصد داریم با نگاهی به بودجه سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ صداوسیما، به ارزیابی عملکرد دولت و مجلس در زمینه تنظیم بودجه این ارگان بپردازیم. به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، در لایحه بودجه سال ۱۴۰۰، علاوه‌بر مبلغ ۲۰۸۳۵ میلیارد تومان اعتبارات، مبلغی بالغ بر ۲۰۸۵۰ میلیارد تومان به عنوان درآمد اختصاصی برای صداوسیما برآورد شده که نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۹ حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. البته به موجب قانون، دولت مکلف بود حداقل هفت دهم درصد از بودجه عمومی را برای این نهاد تخصیص دهد. در حالی که مجموع کمک دولت به صداوسیما، نسبت به تکلیف دولت حدود ۱۰۷۲۳ میلیارد تومان کمتر بود. در سال ۱۴۰۱ اما اوضاع برای صداوسیما بهتر به نظر می‌رسد. مجموع بودجه سازمان با احتساب بودجه ساترا، درآمد اختصاصی و... در مقایسه با سال گذشته، حدود ۵ درصد افزایش را نشان می‌دهد. همچنین اگر مبلغ ۴ هزار میلیارد تومان، جمع ردیف‌های ساترا و... را که اصلاً تحقق نیافته، از بودجه سال گذشته کم کنیم، افزایش آن معادل ۵۱ درصد خواهد بود. اما موضوع قابل بحث، نسبت درآمد اختصاصی سازمان صداوسیما از محل تبلیغات بازرگانی به کل بودجه این سازمان است. در سال ۱۴۰۱، این نسبت معادل ۳۹ درصد است. این رقم در سال ۱۴۰۰، ۳۱ درصد بوده است و این موضوع بیانگر رشد سهم تبلیغات تجاری در بودجه سال ۱۴۰۱ و کاهش سهم



بودجه بدون برنامه

پیرامون بودجه و مسائل حاشیه آن

● نرگس خطیب دماوندی - کارشناسی زیست گیاهی

چشم پوشاند که بسیاری از این ناترازی‌ها و کسری‌ها ارثیه به جا مانده از دولت‌های قبلی بوده که بدون توجه به مسائل مختلف برای مسائل نامشخص و غیرشفاف تقاضای دریافت بودجه را داشته‌اند. نکته قابل تامل دیگر در خصوص این است که سیاست‌های کلی برنامه هفتم و لایحه بودجه با دقتی دو چندان بررسی شد؛ چرا که دولت و مجلس باهدف آنکه بتوانند برنامه هفتم توسعه را به خوبی و درست‌ترین حالت ممکن اجرایی کنند. دلیل اصلی در خصوص رد لایحه بودجه ۱۴۰۳ ناترازی بودجه و کسری شدید بودجه است. باتوجه به آنکه ایران اغلب در زمره کشورهای بوده که با کسری بودجه دست و پنجه نرم می‌کند، اما طبق گفته نمایندگان مجلس لایحه اخیر، این کسری بودجه در این لایحه بیشتر به چشم خورده و دیده می‌شود. علاوه بر این عدم تطابق این لایحه و یا به نوعی کم‌توجهی آن به برنامه هفتم توسعه یقیناً یکی از مسائل اساسی رد شدن لایحه بودجه بوده است.

بودجه به بحث همسان‌سازی حقوق بازنشستگان پرداخته شده، از رخدادهای پیش‌بینی‌های خوب دولت بوده است، تا امری که سال‌ها مهجور و مغفول مانده بود، از روی زمین برداشته و تا حد خوبی اجرایی شود. اما مهمترین دلیل رد کلیات لایحه بودجه توسط نمایندگان ناترازی و کسری بودجه بود. البته ارتباط ضعیف بین برش سنواتی بودجه با برنامه هفتم توسعه دیده می‌شد که این خود ضعفی اساسی در مورد لایحه کنونی بودجه است. آنکه گفته می‌شود لایحه بودجه به مسئله کسری بودجه توجه نکرده است، به‌نظر به داده آماری هدف واپسته بوده و بی‌هدف و توجه به نرخ تورم و آنچه که به‌طور روزانه در کشور اتفاق می‌افتد، باعث این رخداد شده است. ضمن آنکه اگر افزایش درآمد مالیاتی در این لایحه لحاظ و اتفاق می‌فتاد، یقیناً تورم و همچنین موجب تورم انتظاری شود. از پیامدهای این رخداد نهایتاً بی‌ثباتی اقتصادی در کشور و افزایش فشار بر اقشار کم‌درآمد و ضعیف جامعه خواهد بود. باید توجه داشت، با اینکه در لایحه ارسالی به مجلس ناترازی‌هایی وجود دارد، اما نباید از این واقعیت

تصویب لایحه بودجه جز آن دسته از مسائلی است که هر ساله، اخبار و حواشی زیادی همراه خود دارد. این چالش‌ها برگرفته از اهمیت مسئله بودجه بوده است. اگر دقت و ریزبینی در خصوص مسئله بودجه وجود نداشت، باید که به عملکرد مجلس و نمایندگان آن از جهت کم‌کاری خرده گرفته می‌شد. یکی از علل پذیرفته نشدن بودجه سال ۱۴۰۳، میثقی پیرامون عدم شفافیت تامین منابع و مصارف هدفمندی یارانه‌ها بوده است. اینکه این هزینه در کجا قرار است مورد استفاده قرار گیرد نیز از مسائلی بود که در مجلس مورد بحث بوده است. بحث چالش‌برانگیز دیگر مطرح شده در کشور در خصوص مولدسازی بوده است و به نقل از نمایندگان مجلس «سال قبل دولت ۱۲۶ همت پیش‌بینی کرد که در بودجه این میزان ۶۰ همت آمده است». این سخن و این مشکل نشان از آن دارد که در لایحه بودجه سال جدید نه تنها به مولدسازی اهمیتی داده نشده بلکه بی‌توجهی هم شده و گام رو به جلویی در خصوص افزایش مولدسازی صورت نگرفته است. البته نباید از محاسن لایحه امسال بودجه غافل شد. آنکه در لایحه



دیپلمات یک صد ساله

نگاهی اجمالی به نقش آفرینی هنری کیسینجر در آسیا و ایران

● ریحانه صالحی فر-کارشناسی علوم تربیتی



کیسینجر مبتکر دیپلماسی پینگ پنگ است. گروهی از دیپلمات‌های آمریکایی در مارس ۱۹۷۱ به شکل پنهانی در قالب یک تورنومنت پینگ پنگ به چین سفر کردند که نتیجه آن سفر مشاور امنیت ملی آمریکا یعنی کیسینجر به چین و بهبود روابط این دو دولت با هم بود. شاید بتوان گفت علی‌رغم قد علم کردن چین در برابر آمریکا در سال‌های اخیر باز هم هنری کیسینجر یک شخصیت مثبت در اذهان مردم چین است؛ به اندازه‌ای که شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین در دیدار خود با کیسینجر در سال ۲۰۱۵ به صراحت گفته بود که هر وقت هنری کیسینجر به چین سفر کند، مردم چین به او خوش آمد خواهند گفت و دوست قدیمی خود را فراموش نخواهند کرد؛ زیرا او بود که موجب بهبود روابط بین آن دو کشور شد. زمانی که چین حدود ۳۰ میلیون کشته در اثر گرسنگی داده بود، مخالفان سیاسی، عقیدتی و فرهنگی انقلاب مائو بی‌رحمانه از دم تیغ

در سال ۱۹۳۸ میلادی به آمریکا پناه برد. این‌جا بود که بستر رشد کیسینجر به دلیل استعداد و نبوغ او فراهم شد و آن سابقه عریض و طویل سیاسی را برای خود ساخت. درخشش علمی او را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. او زیر نظر ویلیام یاندل الویت در دانشگاه هاروارد دانش‌آموخته شد. فارغ‌التحصیل شدن با بالاترین سطح علمی و پایان‌نامه معروف ۳۸۳ صفحه‌ای او در سال ۱۹۵۰ از دیگر دستاوردهای علمی او بود و همه این دستاوردها در عین تأثیرگذاری مداوم در تاریخ جهان با مرگ او در ۲۹ نوامبر ۲۰۲۳ به اتمام رسید. بالاچمال همین‌جا بحث در باب شخصیت علمی و تاریخیچه زندگی شخصی او را به اتمام رسانده و به موضوع اصلی یعنی تأثیر دیپلماسی او در آسیا به ویژه ایران می‌پردازیم؛ گرچه نمی‌توان تأثیر او در اوضاع سیاسی کل جهان را نادیده گرفت. یکی از عناوین منسوب به

"آمریکا با مرگ او یکی از مهم‌ترین و رساترین صدهای خود را در سیاست خارجی از دست داد." جمله بالا از سوی جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور سابق آمریکا در مورد هنری کیسینجر مطرح شده است. او یک دیپلمات، اندیشمند سیاسی، مشاور ژئوپلیتیک و سیاستمدار آمریکایی بود که در طی سال‌های ۱۹۶۹ الی ۱۹۷۷ در دولت ریچارد نیکسون و جerald فورد نقش آفرینی مؤثری داشت. اما همه این به اصطلاح موفقیت‌ها از کجا شروع شد؟ ۲۷ مه ۱۹۲۳ هنری کیسینجر در شهر فورت آلمان در یک خانواده یهودی به دنیا آمد. او جوانی خود را به شکلی سپری کرد که اغلب از سوی اطرافیان مطرود واقع می‌شد؛ آن هم به دلیل اینکه یک پناهنده بود. نازی‌ها خانواده او را آزار می‌دادند اما در این میان مادر هنری تنها کسی بود که می‌دانست دولت آلمان برای او و فرزندانش ارزشی قائل و آینده‌ای متصور نیست. بنابراین هنری ۱۵ ساله همراه خانواده خود

مهم برای آمریکا و کل جهان بوده است. کیسینجر انقلاب اسلامی را خسارت بزرگی برای آمریکا می‌دانست و در کتاب نظم جهانی خود بر این باور است که تقابل آمریکا و ایران در حد ماهوی و تمدنی است، نه صرفاً در حد بعد سیاسی. یهودی بودن هنری کیسینجر در اقدامات ضدایرانی او بی‌تأثیر نبود. او تا آخرین روزهای زندگی خود به فعالیت‌های علیه جمهوری اسلامی ادامه داد؛ اما خوشبختانه ناکام ماند و مهره‌های او در صفحه شطرنج سیاست جهانی به خوبی حرکت نکرد. در نهایت می‌توان گفت در حال حاضر که این کلمات به قلم تحریر در می‌آیند، فردی که ایران را تهدید جدی برای آمریکا می‌دانست با خاک هم آغوش شده است و این ایران و ایرانی است که قله‌های پیشرفت را یکی پس از دیگری فتح می‌کند. شاید او در زمان شاه میدانی برای جولان در ایران داشت و از او در راستای اهداف خود حمایت می‌کرد؛ اما در زمان جمهوری اسلامی دیگر جایی برای خودنمایی او وجود نداشت. هایننس آلفرد کیسینجر یا همان هنری کیسینجر یک دیپلمات قوی و با تجربه بود و هوش و نبوغ سرشاری در این حوزه داشت؛ اما نه در برابر ایران، نه در برابر انقلاب اسلامی. او در میان ما جایی برای ابراز وجود نداشته، ندارد و نخواهد داشت و این پیروزی وعده الهی برای همه مسلمانان است. «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا»: به‌راستی ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم آوردیم.

مسئله صحبت کنیم، باید یک مقاله با تعداد صفحات زیاد بنویسیم؛ اما باید در برابر قدرت اجمال سر تعظیم فرود آورد و بحث در مورد تأثیرگذاری شخصیت سیاسی کیسینجر در چین را به اتمام رسانده و به نظر او در باب ایران پردازیم. شاید بحث در مورد تقابل ایران و کیسینجر خیلی کوتاه‌تر از وضعیت چین در برابر او باشد زیرا می‌توان به صراحت و طبق گفته خود هنری کیسینجر نسبت به شکست سیاست‌های آمریکا و این دیپلمات پرسابقه در برابر ایران و انقلاب اسلامی اذعان کرد و گفت ایران علی‌رغم چین در برابر دیپلماسی آمریکا سر خم نکرد. از آن جایی که او در سال ۱۳۵۳ قمری به ایران آمد و قبل از آن نیز همراه نیکسون در سال ۵۱ به ایران سفر کرده بود، شرایط را به شکلی سنجیده بود که شاه و طرفداران او حامی آمریکا و منافع آن در ایران و منطقه خواهند بود. اما انقلاب اسلامی ضربه سختی به پیکره این باور وارد کرد. با اینکه آمریکا فروش تسلیحات به ایران را افزایش داده بود و طبق دستور شخص کیسینجر همه نیازهای نظامی حکومت شاه به جز بمب اتم از سوی آن‌ها جهت جلوگیری از پیروزی انقلاب تأمین می‌شد، باز هم او اذعان کرد: «ما اصلاً تصور نمی‌کردیم که خطری از جانب جریان‌های اسلامی و به‌ویژه روحانیون علیه شاه وجود داشته باشد و من هیچ گزارش اطلاعاتی-امنیتی مهمی درباره آیت‌الله خمینی دریافت نکرده بودم». این جملات همگی تحلیل ضعیف غرب در برابر انقلاب را نشان می‌دهد. از نظر او ایران همیشه یک موضوع

گذرانده شده بودند و حکومت شوروی نیز با تهدیدهای سیاسی و نظامی خود این کشور را تحت فشارهای مرگبار قرار داده بود، میراث فرهنگی آنها نابود شده بود و هزار مشکل و آسیب دیگر؛ گشایش کیسینجر بود که آن‌ها را نجات داد. او بود که درهای بسته سرزمین چین را به سوی جهان باز کرد. گرچه عده‌ای معتقد هستند که این شجاعت خود رهبر مائو جهت پارادایم در حوزه سیاست داخلی و خارجی بود که موجب بهبود اوضاع شد؛ اما قطعاً باز هم نمی‌توان نقش پررنگ هنری کیسینجر را در این بین نادیده گرفت. زمانی که هیچ فردی از دو طرف شجاعت ورود به این مسائل را نداشت، او بود که هم نبوغ کافی را جهت بهبود شرایط داشت و هم شهامت ورود به مذاکره با چین را به همین دلایل بود که مجدداً زمانی که چین در برابر آمریکا اظهار خودنمایی می‌کرد، این سیاستمدار کهنه‌کار دگربار وارد عرصه مذاکره شده و با دیدار ناگهانی خود با وزیر دفاع چین در ژانویه ۲۰۲۱ اوضاع را باز هم تا حدودی بین این دو دولت آرام نمود. او یادآوری کرد که هر دو طرف خوب می‌دانند که هیچ‌یک از آن‌ها قدرت حذف دیگری را ندارد و کوچک‌ترین تحریک یک فاجعه بزرگ اقتصادی و نظامی و جنگ بی‌معنا را رقم می‌زند. چین متوجه شد نباید مسیر جداسازی اقتصادی را در پیش گیرد. دولت آمریکا هم متوجه شد به جای اقدامات تحریک‌آمیز علیه چین و ادامه رویه‌های ضدچینی باید مثل ۵۲ سال پیش راه سازگاری را دنبال کند. اگر بخواهیم در مورد این



مرز توحید و شرک

خلاصه بخش سوم کتاب جهان‌بینی توحیدی

فاطمه پیروزی - کارشناسی ادیان و عرفان

اجتماعی و سبب تکثیر انسان، تعلق اشیاء به انسان نیست، بلکه بر اثر تعلق انسان به اشیاء است. حضرت علی(ع) پس از اینکه بر مسند حکومت نشستند، دو کار را وجهه همت خود قرار دادند. یکی پند و اندرز و اصلاح روحیه و اخلاق مردم و بیان معارف الهی و دیگری مبارزه با تبعیضات اجتماعی بود. یعنی ایشان تنها اصلاح درونی را کافی ندانستند، همان‌طور که تنها اصلاح اجتماعی را کافی نمی‌دانستند. جامعه اسلامی یعنی جامعه بی‌تبعیض، بی‌محروم، بی‌طاغوت، بی‌ظالم ولی نه بی‌تفاوت. چون جامعه بی‌تفاوت خود نوعی ظلم است. چون فرق است میان تبعیض و تفاوت. مدینه فاضله مدینه بی‌تبعیض است نه بی‌تفاوت؛ برای مثال فرق است میان کسی که با تلاش به جایگاهی می‌رسد و لایق مزد است تا کسی که بدون تلاش، خواهان مزد بسیار با کمترین تلاش است و در جامعه‌ای که تفاوت نباشد قطعاً در اینجا بی‌عدالتی صورت می‌گیرد. در نتیجه مشخص شد که توحید عملی اعم از فردی و اجتماعی عبارت است از یگانه شدن فرد در جهت یگانه‌پرستی خدا و نفی هرگونه پرستش قلبی از قبیل پول‌پرستی و یگانه شدن جامعه در جهت یگانه‌پرستی حق طریق نفی طاغوت‌ها؛ چون تا یگانگی حاصل نشود به سعادت نائل نمی‌گردد.

و موجودات عالم هم در ذات استقلال ندارند و به خدا وابسته اند، در مقام تاثیر و علیت نیز استقلال ندارند و خدا در فاعلیت هم شریک ندارد. همه مواردی که گفته شد، توحید نظری گفته می‌شوند و مرتبه آخر که توحید در عبادت است، توحید عملی گفته می‌شود؛ یعنی توحید ذاتی، صفاتی و افعالی از نوع شناختن و توحید در عبادت از نوع بودن و شدن است. توحید نظری پی بردن به یگانگی خداست و توحید عملی یگانه شدن انسان است. انسان به هر اندازه، به هستی و نظام هستی و مبدا و اصل هستی شناخت پیدا کند، انسانیت در او گسترش یافته است. از نظر اسلام، خصوصاً از نظر معارف مذهب شیعه، جای کوچک‌ترین شکی نیست که درک معارف الهی، قطع نظر از آثار عملی و اجتماعی مترتب بر آن معارف، خود هدف و غایت انسانیت است. مسئله تجزیه شخصیت فردی انسان به قطب‌های مختلف و تجزیه جامعه انسان به من‌ها و گروه‌ها و طبقات متضاد، مسائلی است که همواره اندیشه‌ها را به خود مشغول کرده‌اند. به منظور اطلاعات بیشتر در کتاب سه نظریه را مورد بررسی قرار می‌دهد. نظریه ماتریالیستی، ایده‌آلیستی و رئالیستی. نظریه ماتریالیستی تنها به بعد مادی اهمیت می‌دهد و برای روان‌اصالتی قائل نیست و مدعی است آنچه که انسان را از نظر روانی و جامعه انسانی تعلق اختصاصی اشیاء به انسان است. و نظریه ایده‌آلیستی؛ این نظریه در تضاد با نظریه قلبی تنها به روان انسان اهمیت می‌دهند و آن را اصل می‌دانند؛ همچنین این نظریه می‌گوید تعلق به اشیاء، مال، زن، مقام و... به انسان سبب قطعه قطعه شدن روان و تجزیه جامعه انسان نیست، بلکه اضافه و تعلق درونی و قلبی انسان به اشیاء سبب تفرقه‌ها و بیگانگی‌های انسان است. و آخرین نظریه، نظریه رئالیستی؛ این نظریه می‌گوید: عامل جدایی و تقسیم انسان از نظر فردی و

در بخش سوم کتاب جهان‌بینی توحیدی به درجات و مراتب توحید و یک توضیح مختصر در هر مورد می‌پردازیم. توحید همانند شرک درجات مختلفی دارد و تا وقتی که همه مراتب آن طی نشود، فرد موحد محسوب نمی‌شود.

توحید ذاتی

اولین شناختی که هر کس از ذات حق دارد، شناخت ذاتی است. شناخت ذاتی یعنی شناخت ذات حق به وحدت و یگانگی او. اولین تصویری که هر کس از خداوند دارد در دو زمینه است. اول اینکه خدا بی‌نیاز است و در رفع نیازهایش به هیچ‌کس و هیچ‌چیزی نیاز ندارد و به تعبیر قرآن غنی است. **يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ** و دومین تصور از ذات خدا، اولیت است. یعنی مبدایت و منشأیت و آفرینندگی او. او مبدا همه موجودات است و همه موجودات از او هستند و او از چیزی نیست و به تعبیر حکیمان علت اولی است. توحید ذاتی هم یعنی این حقیقت تعددپذیر نیست. پس جهان به یک اصل برمی‌گردد. نه به اصل‌های متعدد. همان‌طور که خدا در قرآن می‌فرماید: **إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ** و اما توحید صفاتی؛ توحید صفاتی یعنی درک و شناسایی ذات حق به یگانگی عینی با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر. در واقع توحید ذاتی به نفی در ثانی داشتن خدا می‌پردازد ولی توحید صفاتی به نفی در ترکیب در صفات می‌پردازد؛ یعنی ذات خداوند در عین اینکه به اوصاف کمالیه جمال و جلال متصف است، دارای جنبه‌های مختلف عینی نیست. اختلاف ذات با صفات و اختلاف صفات با یکدیگر لازمه محدودیت وجود است.

توحید افعالی

یعنی درک و شناختن اینکه جهان، با همه نظامات و سنن و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل او و کار او و ناشی از اراده اوست؛ یعنی ما در عین اینکه مومن باشیم به یگانگی خدا، به فاعلیت خدا در همه امور عالم چه باواسطه، چه بی‌واسطه و به اراده خدا در همه اتفاقات هم ایمان داشته باشیم

حواسمان جمع است دکتر جان!

شهادت شهید شهرداری (۸ آذر ۱۳۸۹)

● فاطمه کمالی خواه - کارشناسی مهندسی مکانیک

پروژه وسیع، با هدف توسعه تکنولوژی سینکروترون (دستگاه شتاب‌دهنده ذرات که با کمک میدان الکتریکی و مغناطیسی، تابش الکترومغناطیس تولید می‌کند) در خاورمیانه بود و کشورهای من جمله فلسطین، ترکیه، اردن، ایران، و رژیم اشغالگر... تحت نظارت آلمان، انگلیس، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، کویت و چند کشور دیگر گرد هم آمده بودند تا دستگاه‌های شتاب‌دهنده ذرات سینکروترون را برای کاربردهای معقول آسایش آور ساکنان خاورمیانه در علوم بنیادی و فناوری‌های کاربردی، مورد استفاده، شبیه‌سازی و توسعه قرار دهند. به‌طورکل، پروژه‌ای بسیار مهم بود و عضویت این دو دانشمند شهید عزیزمان در جمع توسعه‌دهندگان، نشان‌دهنده قدرت علمی آن‌ها بوده است. البته این مسئله که بیان کنیم، عضویت این دو دانشمندمان در پروژه سزای بوده است که زمینه‌های شناسایی و سپس شهادت این دو تن را فراهم کرده است، چه‌بسا که فرضیه‌ای دور از ذهن و غیرمعقول نباشد. شهادت شهید شهرداری در طی سلسله ترورهای هدفمند شخصیت‌های هسته‌ای ایران صورت گرفت و ایشان یکی از شهدایی هستند که برای ارتقای علم هسته‌ای ایران به شهادت رسیدند. این ترورها با نحوه تقریباً مشابه یکدیگر و با چسباندن بمب‌های دست‌ساز به بدنه خودروی دانشمندان

امیرکبیر به اتمام رساند. مدت کوتاهی طول نکشید که به عنوان استادیار و سپس استاد منصوب گردید و تحت عنوان مهندس هسته‌ای تبار یافت. او پروژه‌های فراوانی در ارتباط با کاربردی‌سازی مسائل هسته‌ای من جمله در حیطه پزشکی و درمان را پیش گرفت و اهتمام ویژه‌ای به یادگیری لبه علم (حد نهایی پیشرفت‌های علم در زمان خودش)، یاددهی و بومی‌سازی این علوم داشت؛ من جمله این‌ها به تلاش ایشان برای یاد گرفتن و سپس یاد دادن کد محاسبات هسته‌ای MCNP در کشور می‌توان اشاره کرد. همچنین ایشان بنیان‌گذار رشته کاربرد پرتوها در زمینه‌های درسی مهندسی هسته‌ای وزارت علوم بود. آنچه این شهید بزرگوار را متمایز می‌کند، نقش اساسی و محوری ایشان در پروژه بیست درصد غنی‌سازی برای تولید صفحه سوخت راکتور بود. طبق گفته دکترعلی اکبر صالحی (استاد دکتر شهرداری و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۸۸ و ۱۴۰۰-۱۳۹۲) اگر جناب دکتر شهرداری نبودند، این کار زمین می‌ماند. آن هم در پروژه‌ای که بسیار حائز اهمیت بود، درست در زمانی که کشور نیاز اساسی به سوخت برای راکتورها داشت. ایشان به همراه دکتر مسعود علی‌محمدی، دو عضو دانشمند ایرانی پروژه سسمی (سزای) در اردن بودند. این پروژه یک

آنچه اکنون درباره آن می‌نویسم، یادداشتی درمورد شهیدی بزرگوار است که چنان دریا، شناگران شناختش را در خود غرق می‌کند و هرچه غوطه در دریای معرفتش عمیق‌تر می‌شود، ذهن در ادراک رفتارش متعجب‌تر و مجذوب‌تر می‌گردد. جملات مذکور که به واسطه آن متن خود را آغاز کردم اگر برای مقام این شهید کم نباشد، بیش نیست و بدانید اغراقی صورت نگرفته است. شهید مجید شهرداری استاد نابغه هسته‌ای دانشگاه شهید بهشتی و از پیشروان علم اتمی در ایران بود که به واسطه علم نافع خود، قله‌های جدیدی را در علم اتمی ایران فتح کرد که برای برخی از آن دستاوردها تا پیش از ایشان، می‌توانستیم لقب دست‌نیافتنی را بگذاریم. او متولد شانزده آذر ۱۳۴۵ در زنجان بود. در دوران کودکی به عنوان فردی متعهد به مذهب پرورش یافت و در ادوار تحصیلی خود خوش می‌درخشید. نقل می‌شود ایشان مسائلی را در دوران دبیرستانش حل کرده که دست یافتن به پاسخشان دور از ذهن معلمان بوده است و چه بسا این‌ها از اولین نشانه‌های بروز نبوغ در این شهید بزرگوار بود. ایشان دوران کارشناسی خود را در رشته الکترونیک دانشگاه امیرکبیر گذراند و سپس برای ارشد وارد رشته مهندسی هسته‌ای در دانشگاه شریف شد و در ادامه تحصیلات خود در مقطع دکتری را در دانشگاه

آنچه مهم است، آن است که چونان شهریاری‌ها در هر جایگاه که هستیم از دل و جان، در راه آبادی و سعادت برای این ملت و مملکت بکوشیم و دشمن و دوست را فرق قائل شویم و بدانیم، این‌ها تذکراتی درخور، برای مردم و مسئولین این خاک و آب و راه حراست خون این شهداست.

صرفاً از آن باخبر بوده است! آنچه اکنون مهم است، این است که ما فراموش نکنیم در حافظه تاریخ این ملت چه گذشته است. شهادت آیت‌الله بهشتی و شهدای هفتادودوتن، جنگ ایران و عراق، تحریم‌ها، سپس ترور شهدای هسته‌ای و اکنون نیز بانگ آزادی دروغین و... سرنخ‌ها را نباید از دست داد، مسیرها را نباید گم کرد و نباید فراموش کرد چه هزینه‌هایی داده‌ایم و قرار بوده است چه بیاموزیم و به چه چیز دست یابیم!؟

یا به گلوله بستن آن‌ها عموماً صورت می‌گرفته است. دولت ایران در آن زمان، این ترورها را تحت نظر و با دخالت مستقیم یا غیرمستقیم آمریکا، اسرائیل و انگلیس می‌دانست که البته به طرق گوناگون هم انتساب این ترورها به موساد تایید شد. البته دولت ایالات متحده دخالت خود در امر ترور را نپذیرفت و صرفاً اذعان داشت که این ترورها توسط مجاهدین خلق، تحت حمایت اسرائیل صورت می‌گرفته است، درحالی‌که آمریکا



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه الزهرا (س)

مدیر مسئول: هدیه گیاه‌تازه

سردبیر: نرگس خطیب دماوندی

هیئت تحریریه: ریحانه زین الدینی، ریحانه صالحی فر، فاطمه کمالی خواه، فاطمه پیروزی‌نیا، حنانه حاجی زاده، فاطمه حشمت، نرگس خطیب دماوندی

صفحه آرا: نرگس علینقیان

انجمن اسلامی دانشگاه الزهرا (س) در صفحات مجازی:

@anjoman_eslami_alzahra

@anjomanalzahra

شماره تماس: ۰۹۳۹۱۰۰۶۸۴۷ / ۰۲۱۸۸۰۴۸۰۲۶